

Providing a Framework to Increase the Domestic Share in the Implementation of Technological Projects of the Oil and Gas Industry Based on the Content Analysis of the Country's Upstream Documents

Nasser Bagheri Moghadam¹, Hossein Heirani^{2*} & Alireza Mosayebi³

1. Assistant Professor of Science and Technology Policy Research Group,
National Research Institute for Science Policy, Tehran, Iran

2. Assistant Professor of Science and Technology Policy Research Group,
National Research Institute for Science Policy, Tehran, Iran

3. PhD in Science and Technology Policy Making, Faculty of Management,
Economics and Progress Engineering, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran

Received: 29, Apr. 2022

Accepted: 13, Dec. 2022

Pages 61-74

Abstract

Today, despite the great attractions and capabilities of technology and manpower in the country's oil and gas industry, a large amount of domestic capacity remains unused and there is a need to develop the domestic technological capacity in addition to appropriate industrial development policies. The market and, as a result economic growth should be given special attention. The current research intends to deal with this important concept in the oil and gas industry with a qualitative approach. The purpose of the current research is to provide an in-depth study of upstream documents in the field of the domestic share and to extract the framework content of the domestic share, factors, and conditions affecting it. to achieve this goal, the method of qualitative content analysis with a comparative approach and review of upstream sources and documents has been used. After proper review, organization and coding, the results of the research findings were divided into four general categories: causal conditions, background conditions, intervening conditions, external consequences of internal contribution, and internal consequences of internal contribution consequences. A graphic framework of the importance and attention of the domestic share in the oil and gas industry was presented. The findings of the research show that the simplification of laws and regulations, the appropriate use of investment tools and the facilitating role of the government in this field, the correct use of scientific and social capital, and the development of competitive technology and infrastructure among local companies while increasing the capacity public diplomacy is one of the most important components of the survey, based on which appropriate implementation strategies should be set.

Keywords: Local Content, Technological Development, Oil and Gas Industry, Upstream Documentation, Qualitative Content Analysis.

* Corresponding Author: heirani@nrsp.ac.ir



ارائه چارچوبی برای افزایش سهم داخل در اجرای پروژه‌های فناوری‌های فن‌اورانه صنعت نفت و گاز بر اساس تحلیل محتوای اسناد بالادستی کشور

ناصر باقری‌مقدم^۱، حسین حیرانی^{۲*} و علیرضا مسیبی^۳

۱. استادیار گروه پژوهشی سیاست فناوری و نوآوری، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، تهران، ایران

۲. استادیار گروه پژوهشی سیاست فناوری و نوآوری، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، تهران، ایران

۳. دکتری سیاست‌گذاری علم و فناوری، دانشکده مدیریت، اقتصاد و مهندسی پیشرفت، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۹

صفحات ۶۱-۷۴

چکیده

امروزه با وجود جذابیت‌ها و توانمندی‌های بسیار زیاد فناوری و نیروی انسانی در صنعت نفت و گاز کشور، حجم بسیار زیادی از ظرفیت‌های داخلی بدون استفاده مانده و نیاز است تا ضمن سیاست‌های مناسب توسعه صنعتی، علاوه بر ارتقای توان فناوری‌ها، به شکل‌گیری بازار و در نتیجه رشد اقتصادی توجه ویژه شود. پژوهش حاضر از نظر کیفی به این مفهوم مهم در صنعت نفت و گاز می‌پردازد. هدف پژوهش حاضر ارائه مطالعه عمیق اسناد بالادستی در حوزه سهم داخل و استخراج محتوای چارچوبی از سهم داخل، عوامل و شرایط موثر بر آن است. به منظور تحقق این هدف از روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد قیاسی و بررسی منابع و اسناد بالادستی استفاده شده است. بعد از بررسی، سازماندهی و کدگذاری مناسب، نتایج یافته‌های پژوهش در چهار طبقه کلی «شرایط علی»، «شرایط زمینه‌ای»، «شرایط مداخله‌گر» و «برون پیامد سهم داخل و درون پیامد سهم داخل» تقسیم‌بندی شدند که در نهایت، چارچوبی ترسیمی از اهمیت و توجه سهم داخل در صنعت نفت و گاز ارائه شد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، ساده‌سازی قوانین و مقررات، استفاده مناسب از ابزارهای سرمایه‌گذاری و نقش تسهیل‌گری دولت در این زمینه، استفاده صحیح از سرمایه علمی و اجتماعی و توسعه فناوری و زیرساخت رقابت‌پذیر در میان شرکت‌های بومی ضمن افزایش توان دیپلماسی عمومی از مهم‌ترین مولفه‌های برشمرده شده است که بر اساس آنها باید راهبردهای اجرایی مناسبی تنظیم شود.

کلیدواژه‌ها: سهم داخل، توسعه فناوری‌ها، صنعت نفت و گاز، اسناد بالادستی، تحلیل محتوای کیفی.

مقدمه

و نیروی کار ماهرتری داشت [۳]. از آنجایی که اکتشاف و توسعه تولید نیاز به سرمایه‌گذاری عظیم داشت، فقط شرکت‌های بزرگ بین‌المللی توانستند فعالیت‌های محوری نفت و گاز را انجام دهند، در حالی که شرکت‌های محلی به طور عمده در فعالیت‌های غیرنفتی مانند بیمه و پذیرایی متمرکز بودند [۱۲]. در ۴۰ سال گذشته، کشورهای توسعه‌یافته مانند انگلستان و نروژ در توسعه سهم داخل خود موفق بوده‌اند. این کشورها حضور مداوم در هر دو صنعت بالادست و پایین دست نفت را به دست آورده‌اند [۱۳]. بر اساس این تجارب موفقیت‌آمیز، بسیاری از کشورهای صادرکننده نفت برای دستیابی به سهم داخل برای به حداکثر رساندن مزایای استخراج نفت و گاز اقدام‌های مثبتی انجام داده‌اند [۱۴].

ادبیات علمی در مورد سهم داخل با کار گرسمن در سال ۱۹۸۱ شروع شد [۱۵]. گزارش‌ها تعاریف متنوعی از سهم داخل ارائه می‌دهند که اصطلاح شناخته‌شده در صنعت نفت و گاز است. به طور کلی می‌توان از نظر مالکیت و یا محل شرکت‌های درگیر در تولید و یا ارزش افزوده در فرایند تولید، تعاریف مختلفی از این مفهوم ارائه کرد [۸]. توسعه سهم داخل در صنعت نفت مفهوم جدیدی است که فقط در سال‌های اخیر توجه دانشگاهیان را به خود جلب کرده است؛ بنابراین تعداد محدودی از نشریه‌های علمی در این زمینه وجود دارد. در چند سال گذشته، گزارش‌های مختلف و مقاله‌هایی در مورد سیاست‌های محلی در کشورهای مختلف مانند نروژ، کشورهای دریای خزر، نیجریه و غیره منتشر شده است [۱۶]. در نیجریه پژوهشگران برای توسعه بخش خصوصی در جریان بالادست صنعت نفت در کنار راه‌های مختلف برای بهبود و افزایش قابلیت‌های شرکت‌های عرضه و خدمات نیجریه پیشنهادهایی ارائه داده‌اند [۱۷]. هوم (۲۰۰۸) سندی در مورد تجربه نروژ در توسعه محتوای صنعتی داخلی در رابطه با فعالیت‌های نفتی بالادست تهیه کرده است. او ادعا می‌کند که نروژ در این زمینه کاملاً موفق بوده است و می‌تواند الگویی برای سایر کشورهای غنی از منابع باشد.

وزارت انرژی جمهوری غنا گزارش سهم داخل و مشارکت محلی در فعالیت‌های نفتی را منتشر کرد.

امروزه تدوین و اجرای سیاست‌ها و قوانین سهم داخل^۱ در کشورهای تولیدکننده نفت و گاز به یکی از اولویت‌های اصلی دولت‌های میزبان و بازیگران صنعت نفت در این کشورها تبدیل شده است [۱]. از طرف دیگر کشورهای توسعه‌یافته که اغلب با سرمایه و فناوری سطح بالا برای توسعه و بهره‌برداری مخازن به فعالیت در کشورهای تولیدکننده نفت و گاز می‌پردازند، با توجه به سود مناسب ناشی از این فعالیت، معمولاً بیشتر قوانین سهم داخل کشور میزبان را می‌پذیرند [۲،۳]. با این حال، این قوانین و سیاست‌ها با شکل‌گیری بسترهای کافی در پیاده‌سازی آنها، به منصفه ظهور و اجرا می‌رسند و در نتیجه اغلب در کشورهای مختلف از پیاده‌سازی این قوانین نتایج متفاوتی به دست می‌آید. سیاست‌های سهم داخل^۲ ابتدا در اوایل دهه ۱۹۷۰ در دریای شمال مطرح و به شکل محدودیت واردات با دخالت مستقیم دولت در بخش نفت اعمال شد [۴،۵]. با گذشت زمان، هدف اصلی پی‌پی‌ها^۳ ایجاد پیوند بین ورودی (یعنی فراهم آوردن ورودی به اقتصاد محلی از طریق انتقال فناوری، تولید ارزش افزوده در بخش‌های عرضه داخلی، ایجاد فرصت‌های اشتغال محلی و افزایش مالکیت و کنترل محلی) و خروجی با تکیه بر ظرفیت‌های داخلی بر پایه جذب فناوری از محیط بیرونی در نظر گرفته شد [۶،۷]. اما سیاست‌های مختلف در حوزه سهم داخل می‌تواند در سایر کشورها با توجه به عوامل متعددی مانند ظرفیت جذب محلی، توانمندی نیروی انسانی و زیرساخت‌های موجود آن متفاوت باشد [۸،۱۰].

بسیاری از تغییرات ساختاری مهم در صنعت نفت طی ۴۰ سال گذشته رخ داده است. در اوایل دهه ۱۹۷۰، چند شرکت نفتی بین‌المللی که تعداد زیادی از شرکت‌های خدماتی مستقل آن را تأمین می‌کردند، اکتشاف نفت را در میادین نفتی دریایی در سطح ساحلی و کم‌عمق در سراسر جهان انجام دادند [۱۱]. با این حال، در دهه‌های بعد، صنعت نفت، اکتشاف و تولید را در داخل و خارج مرزها توسعه داد. این امر نیاز به فناوری‌های پیچیده‌تر

1. Local Content
2. Local Content Policy (LCP)
3. LCP

دلیلی قانونی برای سیاست سهم داخل دارند. کشورهای صنعتی این راهبرد را برای استخراج بیشترین ارزش از منابع طبیعی به کار گرفتند، به طور همزمان توانایی‌های بومی شهروندان، کارآفرینان و نهادها را توسعه دادند. طرفداران سیاست سهم داخل نیز به مزایایی اشاره دارند که باید از اثر ناگهانی در میان مدت پیروی کنند. استدلال می‌شود سیاست سهم داخل در نهایت حجم بازار را افزایش می‌دهد که در میان مدت رقابت و نوآوری را افزایش خواهد داد و در نتیجه هزینه فناوری را کاهش می‌دهد [۱۳].

در بحث نفت و گاز معمولاً سهم داخل، تعهدی قراردادی است و می‌تواند به عنوان پارامتر پیشنهادی در میان معیارهای سرمایه‌گذاری‌های نفت، گاز و لیسانس تولید مورد استفاده قرار گیرد. با این حال، سهم داخل ممکن است همیشه به عنوان بخشی از تعهد یا سیاست خاص، به وضوح مشخص نشود [۸]. به طور خلاصه، سهم داخل می‌تواند به عنوان روش جایگزینی واردات با هدف تبدیل بازاری ناشناخته به بازاری قابل اطمینان و مستحکم و افزایش ظرفیت صنعت محلی و افزایش رقابت بین‌المللی آن تفسیر شود. برخی از این الزامها ممکن است از کشوری به کشور دیگر متفاوت باشد اما عامل کلیدی برای توسعه سهم داخل، پیشرفت قوانین مطابق با ظرفیت و اهداف واقعی هر کشور و اجرای چنین قوانینی است. سهم داخل به اقتصاد کشور میزبان، توانایی می‌بخشد تا اینکه بتواند در داخل کشور توسعه فعالیت‌های دارای ارزش افزوده را راهبری و رقابت با استانداردهای بین‌المللی را آغاز کند [۲۰]. تاریخ اقتصادی تعدادی از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه نشان می‌دهد که ارتباط بین بخش اصلی منابع و سایر بخش‌ها بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد [۶]. بنابراین، اگر ارتباطات به اندازه کافی قوی باشد مانند زمانی که ورودی‌ها از خارج کشور عرضه نمی‌شود، اقتصاد به تدریج متنوع می‌شود. استفاده از سیاست‌های محلی برای تشویق انحصار اقتصادی و توسعه پیوندهای قوی عقب‌مانده ضروری است، زیرا آنها توافقی میان بهره‌وری کوتاه‌مدت و توسعه اقتصادی طولانی‌مدت اند [۲۱]. هیچ تضمینی وجود ندارد که جاه‌طلبی و تلاش

این گزارش سیاست، هدف سیاسی، دیدگاه و چارچوب سیاست، اهداف سیاست و قواعد سیاست غنا را مورد بحث قرار می‌دهد [۹]. سازمان‌های بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، چند گزارش عمومی را منتشر کرده‌اند و مطالعات تطبیقی را در مورد این سیاست‌ها انجام داده‌اند. بر اساس این مطالعات، برخی از دستورالعمل‌های کلی برای اجرای سیاست‌های محلی در کشورهای مختلف توصیه شده است [۱۸]. در ادبیات، تعاریف مختلفی از سهم داخل ارائه شده است که این تعدد تعاریف در اصل ناشی از تفاوت در مفاهیم content و local در معادل لاتین آنها است. می‌توان سهم داخل را، به بیشترین میزان استفاده از محصولات محلی و خدمات، افراد و منابع مالی تعریف کرد. به عبارتی دیگر، می‌توان آن را به بیشترین عمق و وسعت مالکیت محلی، کنترل و تأمین منابع مالی بر فعالیت‌های داخلی و خارجی ملی، محلی و سرمایه‌ای دانست که در حال حاضر اجرایی نشده است [۱۹].

چند نویسنده در کشورهای مختلف درباره سیاست‌های سهم داخل در توسعه نفت و گاز، بحث کرده‌اند. بعضی از کشورها به عنوان ابزاری اقتصادی به آن می‌پردازند که در نهایت ظرفیت و توانایی‌های محلی را ایجاد می‌کند، بعضی دیگر آن را به عنوان اقدام‌های محافظتی برای محافظت از فناوری و خدمات محلی از رقابت‌های خارجی در نظر می‌گیرند و در نتیجه ارزش فناوری محلی را حفظ می‌کنند [۴]. آتیانزا [۹] معتقد است سهم داخل به عنوان سیاست صنعتی می‌تواند مزایای اقتصادی بیشتری از قبیل اشتغال خالص و ایجاد صنعت داخلی داشته باشد. استدلال شده است که سهم داخل؛ توسعه مهارت‌های محلی، انتقال فناوری، استفاده از نیروی انسانی محلی و تولید محلی است. این موضوع در راستای این ادعا است که سهم داخل ایجاد نیروی کاری که ماهر و بر ساخت پایگاه عرضه رقابتی است. همچنین ادعا شده است که اعمال سهم داخل می‌تواند به انتقال خاص فناوری و دانش منجر شود [۲].

اقتصادهای در حال توسعه و در حال ظهور ادعا می‌کنند که دلیل کم بودن تولید ناخالص داخلی آنها

به طور عمده به صورت تک‌بعدی یا نگاهی فقط حقوقی بین کشوری داشته‌اند [۲۵،۲۷]، یا از منظر فرایند و تدارک عمومی حامی نوآوری [۲۶،۲۸،۲۹] و یا از منظر انتقال فناوری و یادگیری فناورانه [۳۰،۳۱] به مسئله نگریسته‌اند و بیشتر تأکید بر مسائل درون‌شرکتی داشته‌اند و به الزام‌های فرادستی آن در چارچوب اسناد بالادستی ملی، بخشی و سازمانی توجه نداشته است. در صورتی که بسیاری از این اسناد ضمن تأکید بر مؤلفه‌های اساسی، راهبردهایی را نیز در چارچوب موارد الزام‌آور و تسهیلگر پیشنهاد می‌دهد [۳۲،۳۳].

بر این اساس، هدف پژوهش حاضر آن است تا با مطالعه عمیق اسناد بالادستی در حوزه سهم داخل و استخراج محتوای آن چارچوبی برای توسعه سهم داخل، شرایط زمینه‌ای و عوامل ایجادکننده آن در توسعه و اجرای پروژه‌های فناورانه صنعت نفت و گاز ارائه کند. برای تحقق این هدف از روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد قیاسی و بررسی منابع و اسناد بالادستی در حوزه‌های «سهم داخل»، «نفت و گاز» و «سیاست‌های سهم داخل» استفاده شده است تا پس از کدگذاری پاسخگوی پرسش‌های پژوهش باشد.

روش‌شناسی پژوهش

تحلیل محتوا از روش‌های عمده مشاهده اسنادی است که به وسیله آن می‌توان متون، اسناد و مدارک را خواه مربوط به گذشته و خواه مربوط به زمان حال، مورد ارزیابی و تحلیل منظم و دقیق قرار داد. روش‌های متفاوت در طبقه‌بندی روش‌های کلی، معمولاً روش‌های متفاوت تحلیل محتوا است که به دو دسته از جمله روش تحلیل محتوای کمی و کیفی تقسیم‌بندی می‌شود. تحلیل محتوای کیفی روش پژوهشی است که برای تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متنی از راه فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوی شناخته شده است [۳۴].

در پژوهش حاضر از تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. این روش در ساده‌ترین شکل به بیرون کشیدن مفاهیم مورد نیاز پژوهش از متن مورد مطالعه می‌پردازد. مفاهیمی که در قالب مقوله‌هایی منظم سامان

برای افزایش سهم داخل در واقع به توسعه اقتصاد کشور میزبان کمک خواهد کرد. اثر دیگر توسعه سهم داخل، رشد صنعتی است. سهم داخل فعالیت صنعتی است که فرصت‌های لازم صنعت نفت را برای افزایش سودآوری از عملیات خود در کشورهای میزبان با منابع عظیم نفت و گاز فراهم می‌کند [۲]. در واقع، هر گونه بحث در مورد رشد صنعتی، از جمله تلاش برای ایجاد رشد با افزایش سهم داخل در کالاها و خدمات مورد نیاز برای استخراج نفت و گاز، مربوط به موضوع جذب سرمایه‌گذاری است. سرمایه‌گذاری برای افزایش ظرفیت و قابلیت‌هایی مورد نیاز است که در تولید رشد صنعتی ضروری است [۲۲]. بنابراین بخش نفت، مانند بخش غیرنفتی در اقتصاد است. پیش‌شرط برای موفقیت در سیاست توسعه صنعتی با افزایش سهم داخل در فعالیت‌های نفتی، توجه به این موضوع است که تصمیم‌گیران در تمام سطوح جامعه سیاست‌هایی را دنبال می‌کنند که با هدف رشد صنعتی هم‌راستا است [۲۱].

یکی دیگر از اثرات توسعه سهم داخل، سرریز است. به نظر می‌رسد توسعه سهم داخل به طور مثبت به توسعه صنعتی در سایر بخش‌های اقتصادی نیز منجر شود، به این معنا که صنایع صنعتی به غیر از صنایع مرتبط با نفت و گاز باید سود ببرند [۲۳]. همان‌طور که بیان شد ممکن است تفاوت بین تعاریف در کشورهای مختلف وجود داشته باشد، اما همه آنها دستور کار مشترکی دارند: سهم داخل، رابطه بین استفاده از منابع محلی (از جمله تولید کالا و مقررات خدمات محلی) را روشن می‌کند. به عبارت دیگر، هدف از عبارت «سهم داخل» توضیح تأثیرات مثبت و مزایایی است که شرکت‌های بین‌المللی می‌توانند (یا باید) به اقتصاد محلی وارد کنند [۳،۴،۱۳]. بررسی پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد مدیران ارشد صنعت نفت و گاز کشور تاکنون بیشتر بر توسعه میادین و اکتشاف، توجه داشته‌اند و ارتقای توان داخلی با وجود الزام‌های قانونی، از لحاظ سیاست‌گذاری صنعتی و ضمانت اجرایی کمتر مورد توجه قرار گرفته است [۲۴]. بنابراین پژوهش حاضر، افزایش سهم داخل در اجرای پروژه‌های فناورانه صنعت نفت و گاز را مورد بررسی قرار می‌دهد. پژوهش‌های انجام شده در صنعت نفت و گاز نیز

نفت و گاز، سیاست‌های کلی نظام در بخش انرژی، سیاست‌های کلی اصلی، سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه، سیاست‌های کلی برنامه پنجم، سیاست‌های کلی برنامه ششم، سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی؛

۳. مشخص کردن رویکرد تحلیل محتوایی که باید اجرا

شود؛ در این پژوهش از رویکرد سه مرحله‌ای آماده‌سازی، سازماندهی و گزارش استفاده شده است؛

۴. مرحله طرح‌ریزی کردن فرایند کدگذاری؛ در این پژوهش

از طرح کدگذاری به صورت قیاسی استفاده شده است.

۵. اجرا کردن فرایند کدگذاری؛ تحلیل محتوای کیفی به

خصوص با رویکرد قیاسی شباهت بسیاری به روش نظریه داده‌بنیاد دارد.

به همین منظور در پژوهش حاضر با بررسی به

عمل آمده از اسناد بالادستی و انجام کدگذاری

مناسب مفاهیم و مقوله‌ها در قالب کدگذاری

محوری و در نهایت ترسیم آن در قالب کدگذاری

انتخابی انجام شده است. به منظور استخراج

شواهد، محتوای اسناد و مصاحبه‌ها بر اساس

پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش، به دقت

مطالعه و تحلیل شدند. این مرحله اغلب به عنوان

تحلیل مضمون شناخته می‌شود. تجزیه و تحلیل

اطلاعات بر مبنای روش کدگذاری شامل کدگذاری

باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی است.

در این پژوهش کدگذاری باز طی مرور داده‌های

جمع‌آوری شده و بر روی اسناد بالادستی بررسی

شده و خلاصه‌نویسی‌های صورت گرفته از اسناد

و مدارک از طریق صورت‌بندی آنها در جداول

متناسب انجام شد. زمانی که سند بالادستی

اول مطالعه شد، تمامی متون آن خط به خط

بررسی و به جمله‌ها و عبارتهایی تجزیه شدند

که در واقع همان داده‌های اولیه (کدگذاری باز)

تلقی شدند. سپس همه کدها در قالب عبارت‌ها

استخراج شد. به عنوان مثال، عبارت زیر برگرفته

از بند هشتم راهبرد کلان ۹، با عنوان تعامل فعال

و اثرگذار در حوزه علم و فناوری با کشورهای دیگر

به ویژه کشورهای منطقه و جهان اسلام، در بخش

می‌بایند. تقسیم‌بندی مختلفی از مراحل روش تحلیل محتوای کیفی ارائه شده است. در این پژوهش از روش سه مرحله‌ای آماده‌سازی، سازماندهی و گزارش استفاده شده است. البته لازم به توضیح است که همه رویکردهای تحلیل محتوای کیفی از فرایندی مشابه پیروی می‌کنند که هفت مرحله دارد [۳۵،۳۶].

۱. تنظیم کردن پرسشی که باید پاسخ داده شود؛ پرسش‌های اصلی پژوهش حاضر به این صورت است که مهم‌ترین مؤلفه‌های مورد تأکید الزام‌آور و تسهیلگر در اسناد بالادستی کشور در حوزه نفت و گاز چه بوده است؟ و به دنبال این پرسش، پرسش‌های فرعی شامل مهم‌ترین مؤلفه‌های زمینه‌ای توسعه سهم داخل در اسناد بالادستی کشور چه بوده است؟ مهم‌ترین مؤلفه‌های کلی توسعه سهم داخل در اسناد بالادستی کشور چه بوده است و نیز مهم‌ترین مؤلفه‌های مداخله‌گر توسعه سهم داخل در اسناد بالادستی کشور چه بوده است؟ و در نهایت، به عنوان پرسش فرعی آخر، توسعه سهم داخل چه پیامدهایی می‌تواند برای کشور به همراه داشته باشد؟

۲. برگزیدن نمونه‌های مورد نظر که باید تحلیل شوند؛ برای پاسخ به پرسش‌های پژوهش، از اسناد بالادستی در حوزه سهم داخل و سیاست سهم داخل استفاده شده است. به عبارت دیگر، جامعه پژوهش کلیه اسناد بالادستی در حوزه سهم داخل است که عبارت‌اند از: سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، سیاست‌های کلی علم و فناوری، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، نقشه جامع علمی کشور، سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، برنامه‌های ۵ ساله توسعه کشور، سیاست‌های کلی نظام در بخش انرژی، سیاست‌ها و ضوابط اجرایی پیوست فناوری، قانون نفت، قانون بیشترین استفاده از توان فنی و مهندسی تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات و اصلاح ماده ۱۰۴ قانون مالیات‌های مستقیم، شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز، قانون برگزاری مناقصه‌ها، قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت، قانون اصلاح الگوی مصرف، قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسه‌های دانش‌بنیان، قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی، سیاست‌های کلان حوزه

کارکردهای ارتقای سهم داخل و تلاش برای کفایت داده‌ها و نیز تأیید آن از طریق واحد ناظر و بهره‌بردار طرح پژوهشی، افزایش انتقال‌پذیری صورت گرفت.

وابستگی به ثبات نتایج طی زمان اشاره می‌کند. معادل این آیتم در رویکرد کمی، پایایی نتایج است. پیروی از روشی واحد از ابتدا تا انتهای کدگذاری، ثبت دقیق مراحل و شیوه ترکیب، تلفیق و تلخیص داده‌ها می‌تواند به دیگر پژوهشگران در تکرار پژوهش و البته نه لزوماً رسیدن به نتایج مشابه کمک کند.

تأییدپذیری بودن به میزان تأیید خوانندگان از ویژگی‌های داده‌های مورد بررسی پژوهشگر اشاره می‌کند. انسجام درونی شامل داده‌های خام، یادداشت‌های میدانی، یادداشت‌های نظری، کدها، یادداشت‌های فرایندی و ... به تأیید واحد ناظر و واحد بهره‌بردار در وزارت نفت و نیز ۵ نفر از خبرگان حوزه ساخت داخل و سهم داخل و ۲ نفر از خبرگان حوزه روش‌شناسی پژوهش کیفی رسیده است. ۷. تحلیل کردن نتایج حاصل از فرایند کدگذاری؛ در این مرحله یافته‌های پژوهش در قالب مقوله و مفهوم کدگذاری می‌شود. در نهایت چارچوبی ترسیمی از سهم داخل ارائه شده است.

یافته‌های پژوهش

در این بخش ضمن بررسی کامل اسناد بالادستی در حوزه سهم داخل، کدهای استخراج شده بر اساس آن اسناد در قالب جدول‌های مناسب در ادامه ارائه می‌شود. لازم به ذکر است کدگذاری محوری پژوهش حاضر با الهام از نظریه داده‌بنیاد در قالب شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر و پیامدهای توجه و اهمیت به سهم داخل است که در نهایت چارچوب ترسیمی از سهم داخل ارائه می‌شود.

۱. شرایط علی

شرایط علی بیانگر مقوله‌هایی است که به صورت مستقیم بر پدیده اصلی تأثیر می‌گذارند و به نحوی سبب تمرکز پژوهش بر پدیده اصلی می‌شوند. در این پژوهش دلایل اهمیت و توجه به سهم داخل در صنعت نفت و گاز مدنظر بوده است که مقوله‌های مناسب آن در قالب شرایط علی بیان شده است. پس از بررسی و کدگذاری

اقدام‌های ملی سند نقشه جامع علمی کشور بوده است: «ایجاد شبکه‌های پژوهشی در داخل و خارج از کشور برای انتشار و تبادل دانش و فناوری متناسب با اولویت‌های ملی و بهره‌گیری از فرصت‌های جهانی» که این عبارت در کدگذاری باز در ستون مفاهیم به صورت «همکاری مؤثر بین‌المللی» نام‌گذاری شده است. و در ستون مقوله‌های اصلی زیر عنوان روابط و همکاری مؤثر بین‌المللی قرار می‌گیرد.

۶. تعیین اعتبار و پایایی؛ هرچند لانگ و جانسون (۲۰۰۰) پیشنهاد می‌کنند روایی و اعتبار، معانی مشابهی بی‌توجه به رویکرد پژوهشی دارند و می‌توان از آنها در هر دو رویکرد صحبت کرد. با این حال به نظر می‌رسد آیتم‌هایی چون روایی و پایایی که در رویکردهای کمی از آنها صحبت می‌شود، تنیدگی عمیقی با مفروضات نهان معرفت‌شناسی آنها دارد و به راحتی قابل تفکیک از آنها نیستند. لینگن و گوبا^۱ (۲۰۰۵) با در نظر گرفتن این تفاوت، چهار معیار برای ارزیابی نتایج پژوهش‌های کیفی ارائه دادند. باورپذیری^۲، انتقال‌پذیری^۳، وابستگی^۴ و اعتمادپذیری^۵.

باورپذیری به بازنمایی کافی سازه اجتماعی اشاره می‌کند که پژوهشگر در پی بررسی آن است. در پژوهش حاضر برای باورپذیری از بررسی و درگیری طولانی‌مدت با داده‌ها به دلیل تجربه زیسته حدود چهار ساله گروه پژوهشگران با طرح عملیاتی سهم داخل در صنعت نفت و گاز، مشاهده و به دلیل حضور در جلسه‌های مستمر مدیریتی و کارشناسی در همین مدت به عنوان کارشناس و مجری طرح، سه‌سوسازی^۶ (جمع‌آوری داده‌ها از منابع و روش‌های گوناگون) به دلیل استفاده از اسناد، بررسی تطبیقی آنها با نتایج مصاحبه‌ها و نیز مشاهده استفاده شده است. گفت‌وگو با همکاران و کارفرمای طرح که وزارت نفت بود از دیگر روش‌های ارتقای شاخص باورپذیری بوده است.

انتقال‌پذیری به معنای تعمیم نتایج است. در این زمینه ضمن جامعیت بخشیدن به داده‌ها از طریق بررسی تمام

1. Lincoln and Guba
2. Credibility
3. Transferability
4. Dependability
5. Conformability
6. Triangulation

- صورت گرفته، دلایل اهمیت و توجه به سهم داخل در قالب چهار دسته کلی شناسایی شدند.
۳. الزام‌های رویکرد پژوهش محوری؛
۴. توسعه فناوری و زیرساخت رقابت‌پذیر.
۱. روابط و همکاری مؤثر بین‌المللی؛
۲. همکاری فناورانه؛
- شرح کامل کدگذاری و خروجی آن در قالب جدول (۱)
- ارائه شده است.

جدول ۱. مقوله‌های سهم داخل در شرایط علی

ردیف	مقوله‌های اصلی	مفاهیم	منابع
۱	روابط و همکاری مؤثر بین‌المللی	تعامل سازنده، تعامل فعال، همکاری و تعامل مؤثر، روابط بین‌المللی مؤثر، همکاری مؤثر بین‌المللی	نقشه جامع علمی کشور، برنامه اول توسعه، برنامه دوم توسعه، برنامه چهارم توسعه، سیاست‌های کلی نظام در بخش انرژی
۲	همکاری فناورانه	همکاری فناورانه، گسترش تعاملات فناورانه	
۳	الزام‌های رویکرد پژوهش محوری	تمرکز بر تحقیق و توسعه، شبکه‌های پژوهشی، بانک‌های اطلاعاتی مؤثر، تمرکز بر دستاوردهای پژوهشی	
۴	توسعه فناوری و زیرساخت رقابت‌پذیر	توسعه فناوری داخلی، توسعه توانمندی داخلی، توسعه زیرساخت‌های رقابت‌پذیری، توسعه فناوری‌های پیشرفته	

زمینه‌ای شناسایی شدند که عوامل اصلی در پیاده‌سازی

۲. شرایط زمینه‌ای

سهم داخل‌اند. این مقوله‌ها عبارت‌اند از:

ویژگی‌های زمینه‌ای عواملی را شامل می‌شوند که بدون آنها فرایند تدوین و پیاده‌سازی سهم داخل در صنعت نفت و گاز امکان‌پذیر نخواهد بود. زمینه یا بستر حاکم شرایط خاصی است که برای کنترل و هدایت پدیده استفاده می‌شود و دربرگیرنده مقوله‌های زمینه‌ای است. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته و انجام کدگذاری در مرحله اول و دوم، سه مقوله اصلی به عنوان شرایط

۱. بهره‌گیری پتانسیل ظرفیت‌های بومی؛
۲. دانش فناورانه؛
۳. سرمایه اجتماعی.

در ادامه در قالب جدول (۲) شرح کامل کدگذاری این بخش ارائه می‌شود.

جدول ۲. مقوله‌های سهم داخل در شرایط زمینه‌ای

ردیف	مقوله‌های اصلی	مفاهیم	منابع
۱	بهره‌گیری پتانسیل ظرفیت‌های بومی	استفاده از ظرفیت‌های بازار داخلی، استفاده از بیشترین ظرفیت‌های موجود، به‌کارگیری ظرفیت بازار ملی، به‌کارگیری ظرفیت‌های داخلی	سیاست‌های کلی علم و فناوری، برنامه دوم توسعه، برنامه پنجم توسعه، برنامه ششم توسعه، قانون بیشترین استفاده از توان فنی و مهندسی تولیدی و صنعتی و اجرایی کشور در اجرای پروژه‌ها و ایجاد تسهیلات به منظور صدور خدمات، قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور
۲	دانش فناورانه	تمرکز بر دانش فنی، توسعه دانش فنی، فناوری‌های روز، فناوری‌های پیشرفته، فناوری‌های نوین، دانش پیشرفته	
۳	سرمایه اجتماعی	برخورداری از سرمایه انسانی مناسب، به‌کارگیری منابع انسانی کارآمد و اثربخش، توجه به سرمایه اجتماعی	

می‌شود تا تصویر جامع و مشخصی از شرایط مداخله‌گر مربوط به سهم داخل و مؤلفه‌های اثرگذار روی آن ارائه شود. مقوله‌های سهم داخل در شرایط مداخله‌گر به ۸ طبقه کلی تقسیم‌بندی شده است که عبارت‌اند از: «توانمندی سایر کشورها»، «گوناگونی ابزارهای سرمایه‌گذاری»، «سیاست‌های تشویقی»، «تجاری‌سازی فناورانه»، «نظام حقوق مالکیت معنوی»، «ساده‌سازی قوانین و مقررات»، «توان دیپلماسی اقتصادی» و «مهارت‌یابی فنی». در ادامه خروجی این بخش در قالب جدول (۳) ارائه می‌شود.

۳. شرایط مداخله‌گر

این شرایط یا مقوله‌ها به حذف و اصلاح شرایط علی می‌پردازند و بر کنش‌های متقابل تأثیر دارند. این بخش دربرگیرنده مؤلفه‌هایی است که روی پدیده اصلی یعنی سهم داخل تأثیر می‌گذارد و می‌تواند پیامدهای خاصی داشته باشد. از آنجایی که تعداد این بخش بسیار زیاد است و کدهای فراوانی از اسناد بالادستی مربوط به سهم داخل استخراج شده است، بنابراین خروجی کدگذاری و یافته‌های این بخش در قالب مقوله‌های اصلی ارائه

جدول ۳. مقوله‌های سهم داخل در شرایط مداخله‌گر

منابع	مفاهیم	مقوله‌های اصلی	ردیف
سیاست کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، سیاست‌ها و ضوابط اجرایی پیوست فناوری شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز، قانون رفع برخی موانع تولید و سرمایه‌گذاری	دارا بودن قدرت فناوری کشور همراه، به‌کارگیری از فناوری‌های پیشرفته، استفاده از ظرفیت و پتانسیل بالای دانشی، بهره‌گیری از دانش نوین روز، توانایی فعالیت رو به رشد کشور	توانمندی سایر کشورها	۱
	استفاده از ابزارهای فناورانه، استفاده از تجهیزات دانشی، بهره‌گیری از دانش و نوآوری فناوری، ابزارهای مختلف سرمایه‌گذاری	گوناگونی ابزارهای سرمایه‌گذاری	۲
	استفاده از طرح‌های حمایتی، کمک در پیشبرد و فعالیت شرکت‌ها، رویکرد استفاده از طرح‌های تشویقی، سیاست‌های حمایتی و مالی	سیاست‌های تشویقی	۳
	تجاری‌سازی فناوری محصول، تجاری‌سازی دانش فناورانه، تجاری‌سازی دستاوردهای پژوهشی، تجاری‌سازی رویکردهای پژوهشی	تجاری‌سازی فناورانه	۴
	بهره‌گیری از نظام حقوق مالکیت معنوی، دارا بودن نظام حقوق مالکیت معنوی ملی، نظام حقوق مالکیت معنوی بین‌المللی	نظام جامع حقوق مالکیت معنوی	۵
	ساده کردن اصول قوانین، آسان‌سازی مقررات و نهادهای قانونی، تسهیل در روند اجرایی قانون و مقررات، هموارسازی رویکردهای قانونی	ساده‌سازی قوانین و مقررات	۶
	دارا بودن دیپلماسی اقتصادی مناسب، برخورداری از توان دیپلماتیک	توان دیپلماسی اقتصادی	۷
	استفاده از رویکردهای دانشی، دارا بودن مهارت‌های فنی، برخورداری از مهارت‌های دانشی و فناورانه، توسعه و گستردگی مهارت‌های فنی	مهارت‌یابی فنی	۸

۴. پیامدها

درون‌پیامد) است که ارزش‌گذاری سهم داخل را برجسته می‌سازد که این پیامدها عبارت‌اند از: تمرکز و توسعه صادرات و توانمندی ارزآوری، تشویق سرمایه‌گذاری خارجی، گسترش سرمایه‌گذاری مشترک، تسهیل همکاری، رشد اقتصادی، افزایش سرانه تولید، اشتغال مولد، کاهش وابستگی اقتصادی، انتقال فناوری، اقتصاد مقیاس و بهره‌گیری از فرصت‌های جهانی. خروجی این بخش در قالب جدول (۴) در ادامه ارائه شده است.

در صورتی که پدیده‌محوری با موفقیت هدایت شود، تأمین‌کننده شرایط علی خواهد شد. در واقع راهبردها برای هدایت پدیده‌محوری پیامدهایی دارند که سبب حل مسئله علی می‌شوند. در این پژوهش پیامدها که با تأمین آنها پیاده‌سازی، اهمیت و توجه به سهم داخل در صنعت نفت و گاز را بیان می‌دارد دربرگیرنده دو دسته کلی برون‌پیامدی سهم داخل و درون‌پیامدی سهم داخل. این دو دسته اصلی شامل یازده پیامد (۶ برون‌پیامد و ۵

جدول ۴. مقوله‌های سهم داخل در پیامد

منابع	مقوله‌ها	مقوله‌های اصلی	ردیف
سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، برنامه اول توسعه، برنامه دوم توسعه، قانون نفت، قانون و ضوابط و اختیارات وزارت نفت، قانون تشویق و حمایت، سرمایه‌گذاری خارج	صادرات و ارزآوری	برون‌پیامدی سهم داخل	۱
	تشویق سرمایه‌گذاری خارجی		
	گسترش سرمایه‌گذاری مشترک		
	انتقال فناوری		
	تسهیل همکاری		
	بهره‌گیری از فرصت‌های جهانی	درون‌پیامدی سهم داخل	۲
	رشد اقتصادی		
	افزایش تولید سرانه		
	اشتغال مولد		
	کاهش وابستگی اقتصادی		
اقتصاد مقیاس			

داخلی باشد. هدف از خرید دولتی نوآورانه و فناورانه استفاده از ظرفیت خریدهای دولتی است و در آن به جای تأمین کالاها و خدمات عادی و روزانه، توسعه فناوری و نوآوری مدنظر است. به دلیل اجرای گسترده و جدی فرایند مناقصه در سطح شرکت‌های دولتی، عمومی و خصوصی، فناورانه کردن مناقصه‌ها، اسب زین‌شده‌ای است که به خوبی می‌تواند سیاست فناوری در مقابل بازار را اجرایی کند و در مدت کوتاه، دستاوردهای مهم و عمیقی برای اقتصاد، صنعت و فناوری کشور در پی داشته باشد.

بر اساس اسنادی مانند قوانین برنامه توسعه ۵ ساله، به خصوص برنامه توسعه پنجم و ششم نظام جریان دانش و اطلاع‌رسانی، آموزش قوانین و مقررات حمایتی به سازندگان از دیگر موضوع‌های مورد تأکید در اسناد بالادستی است. بهترین راه حمایت از سازنده داخلی آن است که به آنها مهارت لازم برای برخورد با ساختارهای متنوع وزارت نفت و چگونگی دفاع از حقوق خود را آموزش داد. این کار باعث تسهیل ورود شرکت‌های ناآشنا با وزارت نفت به عرصه ساخت کالاهای مورد نیاز وزارت نفت می‌شود.

بر اساس اسناد بالادستی تدوین نقشه راه توانمندی فناورانه و ارتقای ظرفیت جذب بنگاه‌ها و با توجه به اینکه ضعف جنبه‌های نرم قراردادی و دست کم الزام‌های شناسایی و ارتباطی تا توانایی بنگاه‌ها در جذب فناوری و یادگیری فناورانه مشهود به نظر می‌رسد، لازم است وزارت نفت یا شرکت‌های تابعه متولی مانند شرکت ملی نفت و شرکت ملی گاز در این راستا نقشه راه توانمندی فناورانه و ارتقای ظرفیت جذب بنگاه‌ها را تدوین و بر اساس آن، شرکت‌های بخش خصوصی را ارزیابی و اعتبارسنجی کنند و در قراردادهای بین‌المللی مشارکت دهند.

بر اساس اسنادی مانند قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور، یکی از ضروریات برنامه‌ریزی در بخش نفت و گاز، بازنگری رابطه مالی کنونی دولت و شرکت‌های ملی نفت و گاز و تنظیم رابطه مالی شفاف، پایدار و مشخص است. در این بازنگری می‌توان به مواردی مانند تأمین مالی ربالی از بازار

بر اساس تحلیل محتوای اسناد بالادستی بیشترین تأکید در توسعه سهم داخل، ساده‌سازی قوانین و مقررات، استفاده مناسب از ابزارهای سرمایه‌گذاری و نقش تسهیلگری دولت در این زمینه، استفاده صحیح از سرمایه علمی و اجتماعی و توسعه فناوری و زیرساخت رقابت‌پذیر در میان شرکت‌های بومی ضمن افزایش توان دیپلماسی عمومی بوده است.

بر اساس تحلیل محتوای اسناد بالادستی مانند نقشه جامع علمی کشور، ضمن بازتعریف و تجدید ساختار کلان پروژه‌های نفت و گاز می‌توان به تهیه بانک جامع اطلاعاتی از توانمندی‌های سرمایه انسانی و طراحی سازوکار همکاری پاره‌وقت نخبگان، دانشمندان، اعضای هیئت علمی، مدیران و متخصصان شاغل و بازنشسته دولتی و غیردولتی در قراردادهای پیمانکاری و مشاوره‌ای نفت و گاز به توسعه توانمندی‌های داخلی پرداخت.

همچنین ضمن تحلیل نقشه جامع علمی کشور، برگزاری همایش‌های بین‌المللی با شرکای معتبر خارجی و ارائه توانمندی‌های داخلی در آن همایش‌ها می‌تواند از دیگر عوامل توسعه فناوری سهم داخل به خصوص بر اساس اسنادی مانند سند نقشه جامع علمی کشور باشد. بر اساس اسنادی مانند سیاست‌های کلی نظام در بخش انرژی (که نیاز به تکمیل آن در نسخه‌های جدید است و تأکید بیشتر بر محورهای موضوع‌های راهبردی دارد)، اسناد مناقصه‌ها و نوع قرارداد پروژه‌ها می‌تواند به طور کامل موضوع توان داخلی کالاهای پروژه را حمایت کند و سطح طرح موضوع‌های حمایتی از عناوین و بندهای کلی به پیوست‌های تخصصی و تفصیلی حمایتی تبدیل شود، به‌نوعی که بهانه‌تراشی پیمانکار برای فقدان تأمین کالاهای پروژه از سازندگان داخلی امکان‌پذیر نشود و از صوری شدن درصد داخلی‌سازی پروژه‌ها جلوگیری شود.

همچنین بر اساس اسنادی مانند قانون بیشترین استفاده از توان فنی و مهندسی تولیدی، صنعتی و اجرایی کشور در اجرای پروژه‌ها، فناورانه و نوآورانه کردن مناقصه‌ها و خریدهای دولتی که با عنوان «خریدهای دولتی نوآورانه و فناورانه» نیز شناخته می‌شود، یکی از سیاست‌های نوین طرف تقاضای نظام نوآوری است که می‌تواند مکمل رویکرد کلاسیک سیاست‌های توان

به انبارها و سایت‌ها برای مشاهده نمونه قطعه و تجهیز سامانه یکپارچه و به روز اطلاعات سازندگان و یا ترکیب این رویکرد با سامانه‌های موجود وزارت نفت می‌تواند راهگشا باشد.

بر اساس اسنادی مانند سیاست کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی و نظر به ضرورت استفاده از اصل تعاون و هم‌افزایی و استفاده از خرد جمعی، می‌توان توسعه فرهنگ مشارکت و جلسه‌های مستمر و سازماندهی شده مدیران ارشد با انجمن‌ها و سندیکاهای سازندگان و تولیدکنندگان را در دستور کار قرار داد.

بر اساس اسنادی مانند سیاست کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، سیاست‌ها و ضوابط اجرایی پیوست فناوری شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز، قانون رفع برخی موانع تولید و سرمایه‌گذاری، در خصوص سیاست‌گذاری توسعه صنعتی واردی مانند تقویت نقش حاکمیتی و نظارتی وزارت نفت بر شرکت‌های تابعه، رشد و توسعه شرکت‌های مهندسی و تأمین‌کنندگان داخلی، حمایت از هزینه‌کرد مصارف ریالی پروژه‌ها به منظور تقویت تولید تجهیزات و خدمات داخلی، انعقاد قرارداد بین شرکت ملی نفت ایران و وزارت نفت برای بهره‌برداری از هر میدان نفت و گاز، شکل‌گیری نهاد تخصصی ارزیابی کیفیت تجهیزات نفت و گاز تحت نظارت وزارت نفت برای ایجاد سازوکار دقیق و مشخص برای شناخت و حمایت از ساخت قطعه‌های دارای مزیت اقتصادی در داخل و در نهایت تدوین نقشه راه مشخص، عملیاتی و زمان‌بندی شده توسعه توان داخلی در صنعت نفت و گاز با حضور تمامی خبرگان و نهادهای ذی‌نفع نفت و گاز کشور را در دستور کار قرار گیرد.

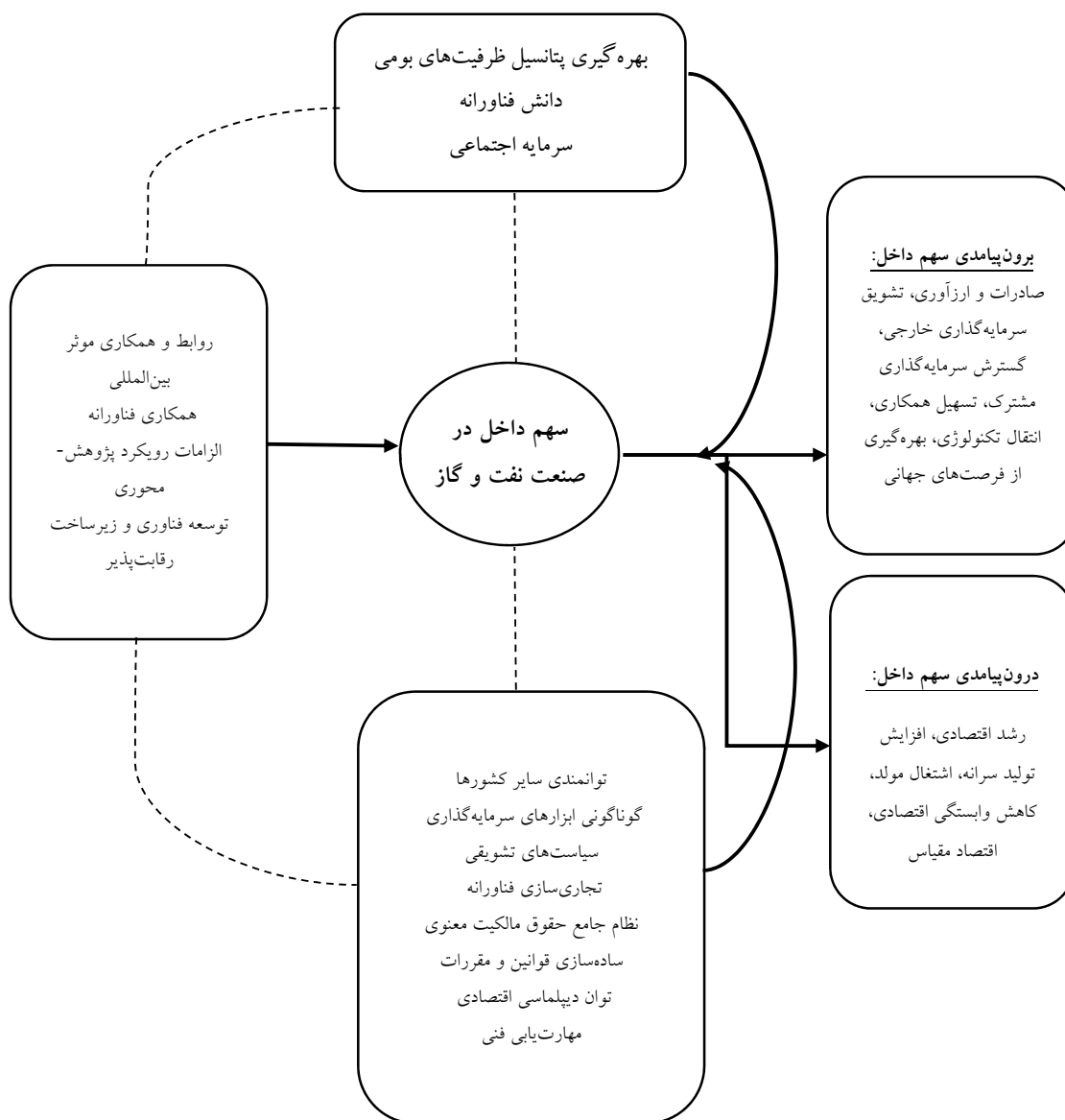
در ادامه چارچوب ترسیمی از عوامل و شرایط مؤثر افزایش سهم داخل در اجرای پروژه‌های فناورانه صنعت نفت و گاز در قالب شکل (۱) ارائه می‌شود.

سرمایه با استفاده از ابزارهای مالی متناسب با پروژه‌های نفتی و توجه ویژه به بورس انرژی، جذب سرمایه‌گذاری به صورت انحصاری از مسیر انعقاد قراردادهای نفتی از سوی وزارت نفت به عنوان طرف اول قرارداد و واگذاری توسعه و بهره‌برداری میادین نفت و گاز به شرکت‌های نفتی اعم از دولتی و غیردولتی اشاره کرد. تأمین مالی با سرمایه‌ها و نقدینگی‌های سرگردان داخلی موجب شکل‌گیری و ارتقای کسب‌وکار در این حوزه می‌شود. در این خصوص می‌توان آیین‌نامه اجرایی نحوه مشارکت و تعامل سرمایه‌گذاران داخلی تدوین شود.

بر اساس اسنادی مانند نقشه جامع علمی کشور و نیز قانون برنامه پنجم و ششم توسعه به رسمیت شناختن و استفاده از سرریز دانش و تخصص کارشناسان حوزه توسعه توان داخلی در ساختار و فرایندها در این خصوص ضروری به نظر می‌رسد. کارشناس توسعه توان داخلی دارای تخصص در شناخت تجهیزات و قطعات حوزه کارشناسی خویش است، به علاوه بر استانداردهای مرتبط نیز تسلط کامل دارد و روش‌های بازرسی، ساخت، تولید و تعمیرات را می‌شناسد. همچنین قوانین و مقررات حوزه حمایت از ساخت و مناقصه‌ها را همواره در ذهن دارد و در تنظیم فنی قرارداد و منابع تأمین کالا و برای به نتیجه رساندن ساخت بار اول یک تجهیز، دارای تبحر کامل است.

بر اساس اسنادی مانند قانون رفع موانع تولید و سرمایه‌گذاری با توجه به اینکه یکی از مهم‌ترین چالش‌های تولیدکنندگان داخلی، نبود تقاضای مستمر و قابل پیش‌بینی برای محصولات آنها است؛ زیرا سازندگان داخلی برای ایجاد ظرفیت تولید خود بدون داشتن تقاضایی بلندمدت و قابل توجه باید متحمل ریسک‌های فراوانی شوند که این امر باعث خودداری سرمایه‌گذاران از ورود به این حوزه شده است.

یکی از موانع اصلی توسعه توان داخلی کالاهای وزارت نفت، مشکلات سازندگان در اخذ اطلاعات مورد نیاز برای ساخت است. به عنوان مثال بروشور دستگاهی خاص که سازنده، قصد ساخت نمونه مشابه آن و یا قطعه‌ای از آن را دارد یا در اختیار او قرار داده نمی‌شود و یا با مشکلات فراوان و استفاده از روش‌های غیررسمی در اختیار او قرار می‌گیرد. در این زمینه اخذ نمونه، مراجعه



شکل ۱. چارچوب ترسیمی عوامل و شرایط مؤثر بر سهم داخل در پروژه‌های فناوریانه صناعت نفت و گاز

نتیجه‌گیری

در راستای توجه و اهمیت بیشتر به مسئله، پژوهش حاضر تلاش کرده است با توجه به مطالعه و بررسی اسناد بالادستی در حوزه سهم داخل با رویکرد تحلیل محتوای کیفی، دلایل اهمیت و توجه به سهم داخل، عوامل و مؤلفه‌های سهم داخل و در نهایت پیامدهای آن را شناسایی کند. متناسب با تحلیل‌های صورت گرفته کدگذاری‌های لازم برای پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش استخراج شدند.

هدف از توسعه چارچوب ترسیمی برای افزایش سهم داخل در صناعت نفت، سرشماری عوامل مهمی است که بر توسعه سهم داخل تأثیر می‌گذارد. این عوامل از

الزام سهم داخل آن است که سرمایه‌گذار خارجی مکلف شود درصد یا میزان معینی از مواد اولیه، تجهیزات، ماشین‌آلات و خدمات مورد نیاز پروژه موضوع سرمایه‌گذاری خود را از کالاها و خدمات تولید داخل کشور تأمین کند و آن را در پروژه خود به کار گیرد. صناعت نفت به دلیل برخورداری از دو ویژگی مهم در اختیار داشتن طرح‌هایی با مقیاس بزرگ و تنوع زنجیره فعالیت‌ها در بخش بالادستی و پایین‌دستی، می‌تواند نقش مهمی در داخلی‌سازی و کمک به توسعه بومی ایفا کند.

و در دو سطح عمومی و فهرست ویژه برای معرفی شرکت‌ها به صورت پروژه‌محور و تجهیزمحور به متقاضیان صورت گیرد؛

۳. ارتقای فناوری در زمینه‌های منابع و صنایع نفت و گاز و پتروشیمی.

◇ پیشنهادها برای توسعه پژوهش و آموزش شامل موارد زیر است.

۱. گسترش تحقیقات بنیادی و توسعه‌ای در دانشگاه‌هایی که رشته‌های مرتبط با حوزه نفت و گاز دارند؛

۲. تربیت نیروی انسانی و تلاش برای ایجاد مرکز جذب و صدور دانش و خدمات فنی-مهندسی انرژی در سطح بین الملل؛

۳. برگزاری همایش‌های تخصصی مشترک ضمن تعامل جامعه دانشگاهی و صنعتی داخلی با شرکای کلیدی خارجی.

در نهایت، می‌توان بیان کرد نتایج حاصل از بررسی اسناد بالادستی حاکی از آن است که با توجه به اهدافی که کشور از اجرای سیاست‌های ساخت داخل دنبال می‌کند، روش‌های ارتقای دانش امور حقوقی، قراردادی و دیپلماسی انرژی در قراردادهای بین‌المللی، ارتقای ظرفیت جذب فناوری و همکاری فناورانه شرکت‌های داخلی و نیز ارزیابی مدیران ارشد صنعت و نفت و گاز بر اساس شاخص‌های توسعه توان داخلی مورد توجه است. زیرا توان داخلی ابزار صنعتی است که می‌تواند تولیدکننده‌های بومی را قادر سازد فعالیت‌های خود را دست کم تا حدودی با ورودی‌های بومی گسترش دهند و به تخصص‌های مدیریتی و فنی بین‌المللی دسترسی پیدا کنند.

مطالعات اسناد بالادستی در مورد سهم داخل جمع‌آوری شده‌اند که تعدادی از این عوامل از طریق فرایند دسته‌بندی متغیرهایی که از مطالعات و مفهوم‌سازی رابطه آنها با یکدیگر در زمینه صنعت نفت، شناسایی و طبقه‌بندی شده‌اند. در پایان پیشنهادهایی در سه سطح سیاستی، اجرایی و پژوهشی ارائه شده است که می‌تواند مورد استفاده سیاست‌گذاران و فعالان در صنعت نفت و گاز قرار گیرد.

◇ پیشنهادها در سطح سیاستی و کلان شامل موارد زیر است:

۱. توجه ویژه به سهم داخل، با در نظر گرفتن زنجیره ارزش فناوری‌های محوری و پرکاربرد صنعت نفت و گاز در اسناد بالادستی ملی، بخشی و سازمانی وزارت نفت؛

۲. باز تعریف و از سرگیری آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های قراردادهای فناورانه حوزه نفت و گاز به گونه‌ای که در اسناد مناقصه‌ها و نوع قراردادهای موضوع حمایت از توان داخل مطرح شود و قبل از واگذاری پروژه‌ها تا حد امکان فهرست تأمین‌کنندگان^۱ پروژه‌ها نهایی شود؛

۳. نظارت نهادهای بالادستی مانند مجلس شورای اسلامی ضمن ارزیابی عملکرد مدیران ارشد بر اساس شاخص‌های توسعه فناورانه توان داخل در کنار توسعه و اکتشاف میادین نفتی؛

۴. الزام قانونی گروه مذاکره در قراردادهای بر اساس سه بعد حقوقی، توان مذاکره و آگاهی نسبت به اهمیت توسعه فناورانه توان داخل.

◇ پیشنهادها در سطح اجرایی و عملیاتی شامل موارد زیر است:

۱. توسعه و بازنگری استانداردهای داخلی صنعت نفت و گاز با رویکرد بین‌المللی و صادرات محور ضمن توجه به توسعه توانمندی‌های مدیریتی برای شرکت‌های بخش خصوصی داخلی مانند برندسازی بین‌المللی، مدیریت مگاپروژه، مدیریت دارائی، مدیریت دانش و ...؛

۲. اصلاح و بهبود شیوه‌نامه تأمین کالای وزارت نفت به گونه‌ای که فهرست تأمین‌کنندگان به صورت متمرکز

1. Approved Vendor List (AVL)

References ----- **منابع**

- [1] Wilhelm C, Maconachie R. Exploring local content in Guinea's bauxite sector: Obstacles, opportunities and future trajectories. *Resources Policy*. 2021;71: 101935.
- [2] Kalyuzhnova Y, Belitski M. The impact of corruption and local content policy in on firm performance: Evidence from Kazakhstan. *Resources Policy*. 2019; 61: 67-76.
- [3] Lebdioui A. Local content in extractive industries: Evidence and lessons from Chile's copper sector and Malaysia's petroleum sector. *The Extractive Industries and Society*. 2020; 7 (2): 341-52.
- [4] Chernysheva O, Shelyakov A, Sitnikov N, Veligzhanin A, Borodako K, Sundeev R. Local atomic and crystal structure of rapidly quenched TiNiCu shape memory alloys with high copper content. *Materials Letters*. 2021; 285: 129104.
- [5] Hansen UE, Nygaard I, Morris M, Robbins G. The effects of local content requirements in auction schemes for renewable energy in developing countries: A literature review. *Renewable and Sustainable Energy Reviews*. 2020; 127: 109843.
- [6] Azevedo Filho ET, Palma MAM, Perestrelo M, da Hora HRM, Lira RA. The pre-salt layer and challenges to competitiveness in Brazil: Critical reflections on the local content policy in the oil and gas Sector. *The Extractive Industries and Society*. 2019; 6 (4): 1168-73.
- [7] Bazilian M, Cuming V, Kenyon T. Local-content rules for renewables projects don't always work. *Energy Strategy Reviews*. 2020; 32: 100569.
- [8] Ablo AD. Enterprise development? Local content, corporate social responsibility and disjunctive linkages in Ghana's oil and gas industry. *The Extractive Industries and Society*. 2020; 7 (2): 321-7.
- [9] Atienza M, Arias-Loyola M, Lufin M. Building a case for regional local content policy: The hollowing out of mining regions in Chile. *The Extractive Industries and Society*. 2020; 7 (2): 292-301.
- [10] Lima-de-Oliveira R. Corruption and local content development: Assessing the impact of the Petrobras' scandal on recent policy changes in Brazil. *The Extractive Industries and Society*. 2020; 7 (2): 274-82.
- [11] Allan G, Comerford D, Connolly K, McGregor P, Ross AG. The economic and environmental impacts of UK offshore wind development: The importance of local content. *Energy*. 2020; 199: 117436.
- [12] Klueh U, Department FmiA. Inter-sectoral Linkages and Local Content in Extractive Industries and Beyond: The Case of São Tomé and Príncipe: International Monetary Fund, African Department; 2007.
- [13] Kragelund P. Using local content policies to engender resource-based development in Zambia: A chronicle of a death foretold? *The Extractive Industries and Society*. 2020; 7 (2): 267-73.
- [14] Jahromi FS. An appraisal of local content requirements in the Iranian oil and gas industry. *Resources Policy*. 2021; 73: 102151.
- [15] Grossman SJ. The Informational Role of Warranties and Private Disclosure about Product Quality. *The Journal of Law & Economics*. 1981; 24 (3): 461-83.
- [16] Geenen S. Gold and godfathers: Local content, politics, and capitalism in extractive industries. *World Development*. 2019; 123: 104605.
- [17] Adedeji AN, Sidique SF, Rahman AA, Law SH. The role of local content policy in local value creation in Nigeria's oil industry: A structural equation modeling (SEM) approach. *Resources Policy*. 2016; 49: 61-73.
- [18] Barlow A. The politics of the temporary: Tanzanian local content in the East African crude oil pipeline. *The Extractive Industries and Society*. 2020; 7 (2): 738-47.
- [19] Calignano G, Vaaland TI. Local content in Tanzania: Are local suppliers motivated to improve? *The Extractive Industries and Society*. 2018; 5 (1): 104-13.
- [20] Caramento A. Cultivating backward linkages to Zambia's copper mines: Debating the design of, and obstacles to, local content. *The Extractive Industries and Society*. 2020; 7 (2): 310-20.

- [21] Heum P, editor Local content development: experiences from oil and gas activities in Norway. 2008.
- [22] Noruzi M. Upstream petroleum's contracts Capacity on the transfer and development of technology with approach of the critical success factors. [In Persian], Journal Strategic Studies of Public Policy. 2018; 8 (27): 19-48.
- [23] Liu X, Wang Y, Du W, Ma Y. Economic policy uncertainty, oil price volatility and stock market returns: Evidence from a nonlinear model. The North American Journal of Economics and Finance. 2022; 62: 101777.
- [24] Bandarian, R. examining the reasons for the lack of formation of powerful technological start-ups in the global arena of the upstream sector of the oil industry. [In Persian], Oil and Gas Exploration and Production Monthly, 2018; 170: 61-71.
- [25] Amirghodsi S, Maleki A, Shavvalpour S. Investigating factors behind lack of technological dvelopment in Iranian oil industry through Comparative study with Norway. Journal Strategic Studies of Public Policy. 2017; 6 (21): 183-209.
- [26] Nwankwo E, Iyeye S. Analysing the impact of oil and gas local content laws on engineering development and the GDP of Nigeria. Energy Policy. 2022; 163 (C): S0301421522000611.
- [27] Faridzad A, Ghafari A. Economic and Legal Considerations of Oil Equipment Production Used in Upstream Sector in Iran with Emphasis on Technology Transfer in IPC. [In Persian], IRANIAN JOURNAL OF TRADE STUDIES (IJTS). 2018; 22(86): 89-124.
- [28] Yazdi N, Jassbi A, Maleki A, Naeini AB. Comparative Conceptualisation of 'Public Procurement for Capability Building' (PPCB) In Relation to Public Procurement for Innovation (PPI): A Step Towards Implementation of Iranian Technology Annex. [In Persian], Innovation Management Journal. 2019; 8 (3): 127-54.
- [29] Kalyuzhnova Y, Azhgaliyeva D, Belitski M. Public Policy Instruments for Procurement: An Empirical Analysis. Technological Forecasting and Social Change. 2022; 176: 121472.
- [30] Scholvin S. Peripheral development through extractive industries?: Gateways, local content policy, and the oil and gas sector in Neuquén and Río Negro, Argentina. Applied Geography. 2021; 135: 102554.
- [31] Mirimoghadam M, Ghazinoory S, Towfighi J, Elahi S. Technological Learning in Petroleum Industry: Case Study of Development Projects in South Pars Gas Field. [In Persian], Journal of Science & Technology Policy. 2015; 8 (2): 17.
- [32] Noruzi M. Examine Barriers to Technology Transfer and Development in the Upstream Sector of the Oil Industry: Analytical Perspective. [In Persian], Quarterly Energy Economics Review. 2017; 13 (52): 181-215.
- [33] Arena M, Azzone G, Dell'Agostino L, Scotti F. Precision policies and local content targets in resource-rich developing countries: The case of the oil and gas sector in Mozambique. Resources Policy. 2022; 76: 102597.
- [34] Mayring P. Qualitative content analysis. 2022; 314-22.
- [35] Freeman G, Ding Y, Milojevic S. Citation Content Analysis (CCA): A Framework for Syntactic and Semantic Analysis of Citation Content. Journal of the American Society for Information Science and Technology. 2013; 64.
- [36] Erdelyi M. Quantitative Content-Analysis. 2022; 118-49.